

نگاهی به بافت جمعیتی ایران در عصر پهلوی

۱ اسفند ۱۳۹۶ ساعت ۲۲:۴۸

بافت جمعیتی به عنوان یکی از پدیده‌های جغرافیایی، تحت تأثیر عوامل مختلف ممکن است با تغییرات زیادی مواجه گردد و خود موجب تحولات عمده‌ای در عرصه سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی گردد. این تغییرات گاه ناشی از عاملی طبیعی بوده و گاه عاملی انسانی که معمولاً ناشی از قدرت سیاسی است، تغییراتی را به وجود می‌آورد. در ایران بافت شهری تا دوران قاجار بیشتر تحت تأثیر عوامل طبیعی بوده است، اما از این دوره به بعد با تغییرات مهم شهرنشینی، بافت جمعیتی با تغییراتی مواجه می‌گردد. این روند در دوره رضاشاه و به خصوص پهلوی دوم تحت تأثیر اقدامات سیاسی، با دگرگونی‌های اساسی مواجه گشت . . .

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

بافت جمعیتی به عنوان یکی از پدیده‌های جغرافیایی، تحت تأثیر عوامل مختلف ممکن است با تغییرات زیادی مواجه گردد و خود موجب تحولات عمده‌ای در عرصه سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی گردد. این تغییرات گاه ناشی از عاملی طبیعی بوده و گاه عاملی انسانی که معمولاً ناشی از قدرت سیاسی است، تغییراتی را به وجود می‌آورد. در ایران بافت شهری تا دوران قاجار بیشتر تحت تأثیر عوامل طبیعی بوده است، اما از این دوره به بعد با تغییرات مهم شهرنشینی، بافت جمعیتی با تغییراتی مواجه می‌گردد. این روند در دوره رضاشاه و به خصوص پهلوی دوم تحت تأثیر اقدامات سیاسی، با دگرگونی‌های اساسی مواجه گشت و در اواخر عمر رژیم بافت جمعیتی را متحول نمود. تغییری که خود ناشی از علل خاص بوده و از طرفی موجب تحولات سیاسی زیادی نیز رسید. با این مقدمه به علل تغییر بافت جمعیتی و تبعات آن در دوره محمدرضا شاه پرداخته می‌شود.

بافت جمعیتی ایران: دوران پیش از محمدرضا شاه

بافت جمعیتی ایران تا دوره قاجار عمدتاً در روستاها متمرکز بود، البته در این دوران با توجه به تغییرات سیاسی که تحت تأثیر آشنایی با غرب پیش آمد، بر تعداد و جمعیت شهرها افزوده شد. با این حال تحولات صورت گرفته کمتر متأثر از عوامل مستقیم سیاسی و انسانی بود. اما در دوره رضاشاه شاهد اجرای سیاست تخته قاپو یا اسکان اجباری عشایر در راستای متمرکز ساختن قدرت هستیم. عشایر به عنوان نیروهای گریز از مرکز همواره در مقابل تمرکزگرایی مقاومت می‌نمودند. لذا رضاشاه با بکارگیری ارتش و

شیوه‌های نظامی، توانست ایلات و عشایری را که در مقابل سیاست اسکان مقاومت می‌کردند به اجبار در مناطقی که دولت خود تمایل به آن مکان‌ها داشت، اسکان دهد.

این سیاست با اعمال خشونت زیادی انجام گرفت، چنان‌چه همبلی معتقد است: «در تاریخ حکومت پهلوی در ایران به سختی می‌توان صفحه‌ای سیاه‌تر از تعقیب و آزار عشایر توسط مزدوران جیره خوار رضاشاه یافت.»^۱ بر اساس این سیاست، بسیاری از ایلات لرستان، بلوچستان، خراسان، خوزستان، آذربایجان و... از سال ۱۳۰۱ تا سالهای ۱۳۱۳ سرکوب و خلع سلاح گردیدند. «در این میان منابع مالی عشایر و قبایل نیز مورد دست اندازی قرار گرفت و منابع عمده‌ای به تصرف ارتش درآمد و قسمت عمده‌ای از اراضی و املاک رؤسای قبایل و عشایر با استفاده از قانون جدید ثبت اسناد و املاک از دست آنها خارج شد.»^۲ علاوه بر سرکوب عشایر و ایلات، زمینداران نیز از دخالت حکومت مصون نماندند. طبقه اشرافیت دیوانی و زمینداران، تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ مهمترین عنصر طبقه حاکمه بوده و قدرت اجرایی را در دست داشتند.^۳ اما با روی کار آمدن رضاشاه موقعیت بسیاری از زمینداران بر اساس برخی قوانین مصوب از جمله قانون ثبت اسناد و املاک، تغییر و نفوذ حکومت بر امور آنها مشخص گردید که این موضوع بر تغییر بافت جمعیتی تأثیر زیادی داشت. با این حال تغییر و تحولات مهمتر در این عرصه در دوره محمدرضا شاه پهلوی رخ داد.

بافت جمعیتی ایران در دوره محمدرضا شاه

جمعیت ایران در دوره محمدرضا شاه با تغییرات جهشی خاصی مواجه شد. در این دوره، جمعیت کشور طی ۲۰ سال یعنی از دهه ۲۰ تا ۵۰ شمسی دو برابر شد. این اتفاق در شرایطی رخ داد که رشد جمعیت با توسعه سیاسی و اقتصادی هماهنگی نداشت. چنانچه در سال ۳۵، در هر کیلومتر مربع ۵/۱۱ نفر، سال ۴۵ به ۴/۱۵ نفر، و در سال ۵۵ به ۵/۲۰ نفر رسید. از آنجا که توزیع فضایی شهرها و توزیع جمعیت، تحت کنترل یک برنامه جامع نبود، لذا مشکلات ناشی از جمعیت شهرنشین، ابعاد پیچیده‌ای یافت بطوریکه در این زمان ۷۰ درصد جمعیت کشور در بخش‌های نیمه غربی و نوار باریکی از شمال کشور ساکن هستند.^۴ این موضوع یعنی تغییر بافت جمعیتی ایران، به طور عمده ناشی از چند دلیل می‌باشد که مهمترین آنها عبارت است از اصلاحات ارضی و افزایش قیمت نفت در دهه ۵۰

اصلاحات ارضی اصلاحات ارضی برنامه‌ای بود که در اوایل دهه ۴۰ با هدف، اصلاح ساختار کشاورزی کشور به اجرا گذارده شد؛ اما در نهایت به دلیل برخی اشتباهات ساختاری، نتیجه عکس را شاهدیم. بدین معنا که در کوتاه مدت نه تنها کشاورزی بهبود نیافت، بلکه با تغییر الگوی مالکیت بسیاری از کشاورزان به سمت شهرها هجوم آوردند و بافت جمعیتی را با تغییرات اساسی روبرو ساختند؛ چرا که در این اصلاحات میزان تولید محصولات کشاورزی متناسب با افزایش تقاضای جمعیت در حال رشد و ازدیاد درآمدها نبود و حتی افزایش بازده در هکتار محصولات کشاورزی ناچیز بود. این شرایط در نهایت باعث کاهش نقش کشاورزی در اقتصاد ملی و جدایی روزافزون شهر و روستا گردید. ۵ فاصله‌ای که بر اثر بیکاری بسیاری از کشاورزان و زمینداران به وجود آمد و نتیجه آن، مهاجرت بیکاران به شهرها جهت یافتن شغل جدید بود. البته در بسیاری از موارد، زاغه‌نشینی و تشکیل حلی‌آبادها را

به دلیل عدم جذب بسیاری از این نیروها در بازار کار کشور نیز شاهدیم. افزایش قیمت نفت در اواخر دهه ۴۰ نیز عامل مزیدی بر این موضوع گشت و تغییرات جمعیتی را دو چندان نمود.

افزایش قیمت نفت در دهه ۵۰-۴۰ افزایش قیمت نفت گذشته از آنکه منجر به تحولات اقتصادی و سیاسی مهمی گشت، بر روند تحولات اجتماعی نیز تأثیرگذار بود. افزایش قیمت نفت در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، افزایش تعداد کارخانجات و به دنبال آن نیروی کار را به دنبال داشت. از این رو به دنبال افزایش تقاضا برای نیروی کار، بسیاری از کارگران از روستاها به شهرها مهاجرت کردند. از طرفی از آنجا که مدارس جدید امکانات بهداشتی و کارخانه‌های صنعتی اغلب در شهرها متمرکز شده بود، همین موضوع تأثیرات عمیقی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز جمعیت شهری گذاشت.

به طور کلی در این دوره جمعیت شهری به سرعت افزایش یافت. ۶ از سوی، برنامه‌های توسعه نیز متعاقب با تغییرات اقتصادی با تغییر و تحولاتی مواجه گشت. برنامه‌های عمرانی تأثیر بیشتری بر جمعیت شهرنشین داشت و دو برنامه عمرانی آخر رژیم پهلوی، با تمرکز جمعیت در شهرهای معین و دور شدن شهرها از مراکز استانها و خالی شدن شهرهای کوچک و روستاها از سکنه مواجهیم. ۷ سیاستهایی که با هدف اصلاح ساختار سیاسی و اقتصادی کشور طرح و اجرا شدند؛ اما به دلیل بی‌برنامه‌گی نتایجی جز تغییر بافت جمعیت شهری، بیکاری، فقر و رشد حاشیه‌نشینی را به دنبال نداشتند.

فهرست منابع

۱. گاوین همبلی، خودکامگی پهلوی، در سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۲، چاپ دوم، ص ۳۲

۲. حسین بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر گام نو، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، ص ۷۱

۳. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، چاپ سیزدهم، ص ۲۰۲

۴. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۴، چاپ سوم، ص ۷

۵. ازغندی، همان، ص ۱۹۳

۶. پتروشفسکی، ایپی و پنج مورخ روسی دیگر، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، انتشارات پویش، ۱۳۵۹، ص ۵۶۸. فاطمه پهلوان پور، تحولات جدید در عصر پهلوی، ۱۳۹۳، پژوهشکده باقرالعلوم

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۶۵۰/پهلوی-عصر-ایران-جمعیت-بافت-نگاه/۳۶۶۵۰>